

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

### شش نامه سرگشاده به:

حجت الاسلام خامنه‌ای،

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی،

رئیس دیوان عالی کشور،

وزیر آموزش و پرورش،

ائمه جمعه سراسر کشور،

آیت الله محمدی گیلانی

مقدمه:

بسم الله الرحمن الرحيم

ولتكن منكم امة يدعون الى الخير يامرون بالمعروف و ينهون عن

المنكر اولئك هم المفلحون (آل عمران - ۱۰۴)

جمهوری اسلامی ایران در طی چهار سال گذشته با مشکلات و مسائل عدیده‌ای روبه‌رو گشته که بخشی از آن اجتناب‌ناپذیر بوده و از عوارض جانبی انقلاب به شمار می‌آید. لکن برخی از مشکلات به علت غفلت و یا ناآگاهی عده‌ای از دست‌اندرکاران و مسئولان از مسائل و ارائه نداشتن راه حل مناسب و نزدیک به صواب، نه تنها التیام نیافته بلکه بر شدت و وسعت آن نیز افزوده گشته است.

نهضت آزادی ایران بنا به فریضه دینی بر مبنای معتقدات اسلامی، در «دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر» اهتمام ورزیده و در این مسیر ناملازمات بسیاری را متحمل گردیده است. گاه راه حل را در تذکرات و گفتگوها و نامه‌های خصوصی با مسئولان دیده و گاه آنها را با عموم در میان گذارده، چرا که نهضت آزادی «ملت ایران» را صاحبان اصلی انقلاب دانسته و آنها را شاهدان عینی بر روند تاریخ می‌شمارد.

این نامه‌ها به تناسب نیاز و مسائل مبتلا به جامعه تهیه گشته و توزیع آنها هرچند به علت شرایط محدود بوده ولی با استقبال وسیع مردم و علاقمندان مواجه شده و اثرات نسبتاً مطلوبی نیز در جهت اصلاح روشها به دنبال داشته است.

با توجه به استقبال وسیع مردم از این نشریات، مجموعه حاضر شامل شش نامه سرگشاده تنظیم و در اختیار شما قرار داده می‌شود.

روابط عمومی نهضت آزادی ایران

فروردین ۱۳۶۲

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

### مهندس بازرگان به آیت‌الله محمدی گیلانی پاسخ می‌دهد

بسمه تعالی

#### روزنامه محترم جمهوری اسلامی

در مصاحبه مخبر آن روزنامه با آیت‌الله محمدی گیلانی مندرج در شماره ۸۵۸ مورخ ۶۱/۲/۲۸ آن روزنامه مطالب خلاف واقعی درج شده است که جنبه افترا و تهمت علیه دولت موقت و جناب آقای مهندس بازرگان دارد. با ارسال یک نسخه جوابیه ایشان انتظار دارد بر اساس حق و عدالت و قانون مطبوعات مصوب شورای انقلاب نسبت به درج آن در اولین شماره آن روزنامه و در همان صفحه اقدام بفرمایید. با وجودی که مسئولان آن روزنامه جوابهایی را که قبلاً بر اساس قانون مطبوعات ارسال شده است درج نکرده‌اند، اما باز هم به وظیفه اسلامی و قانونی خود عمل می‌کنیم و انتظار داریم فطرت خداجو و حق‌طلب مسئولان آن روزنامه هرچه زودتر به خود آید و به وظایف انسانی و عادلانه و قانونی خود گردند. نهند، زیرا اگر روزنامه‌ای که ارگان حزب حاکم جمهوری اسلامی است به قانون عمل نکند و خود الگو و اسوه‌ای بر این معیارها و ارزشهای اسلامی نباشد از دیگران چه انتظاری می‌توان داشت - دو صد گفته چون نیم کردار نیست...

دفتر مهندس مهدی بازرگان

۹ خردادماه ۱۳۶۱

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

بسمه تعالی

آیت‌الله جناب آقای شیخ محمد محمدی گیلانی

رئیس و حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب مرکز

پس از سلام و دعای توفیق آن جناب در آنچه رضای خدا و خدمت به خلق است زحمت افزا می‌شوم: صاحب‌ای در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ با جنابعالی شده بود که قسمتهایی از آن اشاره و ارتباط به دولت موقت و شخص اینجانب داشت. از آنجا که صیانت قضات شرع از اظهارات خلاف حق و از اطلاعات خلاف حقیقت، وظیفه ملی و دینی همه بوده و برای سلامت و امنیت جامعه ضرورت دارد تا کسانی که باید مدافع سرسخت حقوق و حیثیت افراد و تعزیرکننده مفتریان و متعديان باشند دچار جوزدگی اشتباه و افترا نگردند، لازم دیدم به مصداق «فذكر فان الذكري تنفع المومنين» توضیحات و تصحیحات ذیل را به استحضارتان برسانم و ضمناً خواهش کنم (بر اساس قانون مطبوعات مورخ ۵۸/۵/۲۰ مصوب شورای انقلاب که مطبوعات را ملزم به درج جواب و دفاع متهم شدگان و توهین شدگان می‌نماید) به روزنامه صاحب‌گر تاکید فرمایید بر طبق ماده ۱۵ و ۱۶ آن قانون متن این نامه را در اولین شماره خود چاپ کند.

قبلاً از اینکه بیانات جنابعالی لااقل لحن معقول و منطقی داشته است تشکر و اظهار امیدواری می‌نمایم. در مصاحبه پس از ادای بسم الله الرحمن الرحيم چنین فرموده‌اید: «از آغاز پیروزی انقلاب و شکل‌گیری دولت موقت جناب آقای بازرگان با اشتباه در کار بوده یا املا و دیکته از بیگانگان و تعمدی در کار بوده که تلاش می‌شده نهادهای انقلابی با حیل‌هایی تضعیف شوند، بلکه از بین بروند. یکی از این نهادها دادگاه‌های انقلاب بوده است. شاید یادتان باشد که خیلی تلاش از طرف دولت موقت می‌شد که اساس دادگاه‌های انقلاب مثلاً برچیده شود و یا سپاه پاسداران جمع شود.»  
ذیلاً با اجازه شما نسبت به هریک از موارد اتهامات غیروارد و خلاف حق توضیحات و شواهدی می‌آورم:

### ۱- گمانی که گناه است.

جناب آقای حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب مرکز چگونه این فرض یا احتمال را به ذهن و زبان خود راه داده‌اند که املا و دیکته‌ای از بیگانگان در کار دولت موقت بوده باشد در حالی که شورای انقلاب و شخص امام علاوه بر تصریح به اعتماد و اطلاع از سوابق ایمان و مبارزات ملی و اسلامی نخست‌وزیر منتخب خود و تصویب فرد فرد وزرا، همکاری نزدیک با دولت موقت و استحضار و مشاوره منظم و نظارت مستمر بر افکار و اعمال آن داشته‌اند؟ امکان چنین غفلت و اجازه چنان املا و دخالت را چگونه توجیه می‌فرمایید و آیا قابل تصور هست و نمونه و شواهدی دارید که دولت موقت حیل‌گر یا عالم‌اً عامداً اشتباهکار بوده است؟ هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین.

درست است که اتهامات فوق را که در پیش مردم نزد خدا بسیار سنگین و پرمکافات است به ضرس قاطع وارد نکرده احتمال داده‌اید ولی آیا همین بدگمانی از مصادیق مسلم «ان بعض الظن اثم» نیست؟ آیا سزاوار است کسی در مقام و موقعیت جنابعالی به پیروی از جو سیاسی حاکم و تبلیغات رایج، به دور از علم و یقین و بدون ارائه مدرک و برهان اصل قرآنی «ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً» را زیر پا گذاشته بزرگترین تهمت را به کسی و به کسانی که تنها جرمشان اعتماد و اجابت دعوت رهبر عالیقدر و شورای انقلاب بوده است وارد سازد؟

## ۲- دولت موقت و دادگاههای انقلاب

خواهش می‌کنم بفرمایید چه تلاشی از طرف دولت موقت برای برچیدن اساس نهادهای انقلابی از قبیل دادگاههای انقلاب و سپاه پاسداران و یا جهاد سازندگی به عمل آمده بود؟ شاید جنابعالی استحضار ندارید که اصل فکر و درخواست کننده و پیشنهاددهنده اساسنامه نهادهای نامبرده در بالا دولت موقت بوده است؟ و دولت از هر فرصتی برای تأیید و تقویت و تزکیه آنها استفاده کرده است.

آیا در تجدید ترکیب هیئت دولت برای رفع تعدد مراکز تصمیم‌گیری و احتراز از تعارضات اجرایی، اصرار از طرف اینجانب به عمل نیامده بود که یکی از حضرات موسوی اردبیلی و دکتر بهشتی عضو دولت شده وزارت دادگستری و سرپرستی دادگاههای انقلاب را توأماً عهده‌دار گردند؟ کاری که بعداً و در قالب شورای قضایی انجام گرفت.

وظیفه دادگاههای انقلاب طبق نظر امام و اساسنامه مصوب شورای انقلاب تعقیب و محاکمه و کیفر مباشرین و آمرین کشتارهای دوران انقلاب و غارتگران بیت‌المال بود و تنها حرف دولت بنا به مسئولیت خطیری که به عهده‌اش گذاشته شده، و مورد تأیید و دستور کتبی امام نیز قرار گرفت، این بود که احضار و بازداشت کارکنان دولت با اطلاع و همکاری وزیران مسئول انجام شود تا با پیش‌بینی‌های لازم، وقفه و اخلال در اداره امور مملکت در آن شرایط سخت پیش نیاید، نه آنکه دادگاه‌ها به کلی تعطیل گردند.

حقیقت امر و جریان واقعی کار درست عکس آن چیزی است که به عمد یا به جهل شایع ساخته دولت موقت را مماشات کننده یا ضدانقلاب و مدعی دادگاههای انقلاب قلمداد نموده‌اند. علاوه بر این دولت اصرار داشت که دادگاههای انقلاب کار اصلی خود را روی رسیدگی به عناصر و جریانات «ضد انقلاب» که بعد از پیروزی انقلاب دست به کار تخریب و براندازی جمهوری اسلامی می‌زدند متمرکز سازد. جنابعالی می‌توانید به نامه مورخ ۵۸/۲/۱۵ دولت موقت به‌عنوان رهبر عالیقدر انقلاب و شورای انقلاب مراجعه فرمایید. آنجا که نوشته و مصرأً خواسته بودیم: دادگاه انقلاب به اتهام عناصر ضد انقلاب که حالت داشته و سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی را تهدید می‌کنند با تقاضای دولت جدا رسیدگی نماید و قاطعت ابراز دارد.»

## ۳- دولت موقت و سپاه پاسداران

همانطور که گفته شد اصل فکر و پیشنهاد و تشکیل‌دهنده سپاه پاسداران دولت موقت بوده و همواره

مورد تایید و حمایت قرار داشته است من باب مثال چند مورد را ذکر می‌کنم:

در سخنرانی اینجانب در استادیوم ورزشی تبریز در ۵۸/۱/۴ در مورد سپاه چنین آمده است:

«این پاسداران انقلاب، اینهایی که از وقتشان، از راحتی‌شان از همه چیزشان می‌گذرند و همچنین با جان و دل و با میل و رغبت و با محرومیت پاسداری و همکاری می‌کنند واقعاً لذت می‌برم.»

در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران در ۵۸/۴/۱۱ چنین گفته‌ام:

«... به‌عنوان کسی که خودش را دوست و ملت را مدیون و ممنون شما می‌داند آمدم با شما صحبت کنم. باید این انقلابی که تا اینجا رسیده است به دوش امثال شماها و دیگران باز هم ادامه پیدا کند. یعنی باز هم همکاری باشد، هم با دولت و هم با رهبری. دولت مأمور خدمت و انجام وظیفه است. باید با آن همکاری کرد، در آن خط آمد و آن راه را گرفت، برای اینکه راه ما (راه دولت) راه امام، راه شورای انقلاب و راه انقلاب و راه اسلام است.» «بنابراین کلمه واحد، رهبر واحد و در ذیل آن باید یک محور باشد. دو محور و سه محور، یعنی پاسداران به روش خودشان، کمیته‌ها به روش خودشان، مراجع تقلید به روش خودشان، جبهه ملی به روش خودشان، دادگاهها به روش خودشان، این نمی‌شود، باید روشها یکی باشد. یعنی با توجه به ضرورت حالت حاضر انقلاب که دوران سازندگی است کوچکترین تشتتی و تفرقه‌ای و اختلافی و کوچکترین عدم همکاری و عدم پشتیبانی از این محور و از این راه سقوط ما است.»

بنابراین شکر خدا به خاطر نعمت دیدار و اطلاع از جمعیت و تشکیلات و اتحادی که دارید امتنان و دعای پیروزی و توفیق برای شما دارم.»

از کجای این سخنان «توطئه و یا حيله‌هایی برای تضعیف سپاه» استنباط می‌شود؟

#### ۴- دولت موقت و جهاد سازندگی

در باره جهاد سازندگی، مگر این دولت موقت نبود که طرح آن را تهیه و پس از تصویب امام آن را به مرحله اجرا گذارد؟ و تمامی کوشش و تلاش خود را برای موفقیت جهاد سازندگی در تحقق برنامه‌های معقول و حساب شده‌اش به کار می‌برد؟

در پیام مخصوصی که در ماههای اول تشکیل، اختصاصاً «در مورد جهاد سازندگی تهیه و از رسانه‌های گروهی منتشر شد چنین گفته‌ام:

بسم الله الرحمن الرحيم

والذین جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا و ان الله لمع المحسنين

درود بر شهدای جهاد سازندگی که در مرحله دوم انقلاب با هدف ساختن جامعه توحیدی جان بر کف نهاده شربت شهادت نوشیدند.

سلام بر همه خواهران و برادران دانشجو و دانش‌آموزان که با شور و اشتیاق الهی و انقلابی خود، برای خدمت به برادران و خواهران محروم در روستاهای دورافتاده کشور مشغول خدمت گردیدند.

سلام بر همه هموطنانی که پیروزی مرحله سازندگی انقلاب را نیز همانند مرحله تخریبی آن ارج نهادند و به دنبال واژگون ساختن نظام ظلم، برای برپا داشتن نظام عدل جهاد کرده‌اند. با آروزی توفیق برای همه گروههای اجتماعی که در این نهضت مقدس با اخلاص و ایثار همکاری و مجاهدت نمودند.

تسلیم و تهنیت دولت به تمام خانواده‌هایی که جوانانشان در این جریان شربت شهادت نوشیده‌اند و یا

خدمات و یا خسارات مختلفی را متحمل گردیده‌اند».

سپس گزارش کوتاهی از آنچه که در آن مدت (۵ ماه بعد از آغاز برنامه‌ریزی برای جهاد و سه ماه بعد از دعوت امام) انجام شده بود به شرح زیر ارائه داده شد:

۱- به کلیه ادارات و سازمان‌های دولتی ابلاغ شد که همکاری صمیمانه و تأمین وسایل مورد نیاز جهاد سازندگی را در حد امکانات خود بنمایند.

۲- به کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی ابلاغ شد که برای انتقال کارمندان داوطلب دولت به جهاد سازندگی موافقت نمایند.

۳- به ارتش جمهوری اسلامی خصوصاً تأکید شد در همکاری و تأمین پرسنل و وسایل و تجهیزات مورد درخواست طرح‌های سازندگی علاقمند باشند و همینطور هم شد.

۴- تصویب و ارسال ۲۰ میلیون تومان برای هر استان کلاً مبلغ چهارصد و هشتاد میلیون تومان.

۵- تصویب مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان اعتبار برای نیازهای ضروری روستاها از طریق جهاد سازندگی.

۶- در اختیار قرار دادن آن قدر از اعتبار مربوط به درآمد یک روز نفت که جهاد سازندگی می‌تواند در هر استان جذب کند.

۷- ایجاد شوراها و دفاتر جهاد سازندگی در استان‌ها با کمک و همکاری نمایندگان امام و نمایندگان دولت.

۸- تهیه اساسنامه جدید جهاد سازندگی که اجازه توسعه و سرعت فعالیت‌های برنامه‌ها و طرح‌های آن را به نحو بهتری ممکن می‌سازد.

۹- ایجاد سازمان لازم برای چاپ مجله جهاد سازندگی که هدفش پیوند بیشتر دادن مردم شهرها و روستاها توأم با انگیزش و آموزش در جهت هدف‌های جهاد سازندگی و آگاه کردن مردم از فعالیت‌های انجام شده است.

۱۰- دریافت حدود ۳ میلیون تومان از طرف مردم برای کمک به امور جهاد سازندگی.

۱۱- اعزام هزاران خواهر و برادر جوان دانشجو و غیردانشجو به روستاها و تقاط کشور».

و بالاخره در پایان همین گزارش آمده است که:

«بنابراین امیدوارم که جهاد سازندگی خود را به نحوی سازمان دهد که بتواند مؤثرتر از هر زمان دیگر به اجرای طرح‌های عمرانی بپردازد، قادر به استفاده از کلیه منابع مالی و انسانی موجود گردد. برای این منظور هم از کارمندان محترم و همکارانم در ادارات و هم از داوطلبین و دانشجویان عزیز و فداکار علاوه بر تشکر، دعوت می‌کنم که برادروار و واقع‌بینانه یکدیگر را پذیرفته و تحمل نمایند و با همکاری صمیمی و منظم و منضبط و با تلاش خود، هرگونه عدم تفاهم و عدم ارتباط سازنده را از میان بردارند. و با ایجاد کمیسیون‌های مشترک ادارات و جهاد سازندگی در هر سطح کشور از مرکز تا شهرستانها سعی کنند، نقشه اجرایی و استفاده از وسایل و منابع قابل استفاده را مورد ارزشیابی و برنامه‌ریزی قرار دهند. و به امید خداوند و با وحدت هماهنگی لازم و به دور از هرگونه دخالت مخرب، در جهت رفع نیازهای مملکت گام بردارند. به امید ایجاد و استقرار کامل جمهوری اسلامی و جامعه سراسر حرکت و برکت و برادری.»

مجموعه سخنرانیها و پیامها و مصاحبات رادیو و تلویزیونی اینجانب جمع‌آوری شده و در دسترس می‌باشد و در صورت تمایل و درخواست یک نسخه ارسال خواهد شد. با مطالعه این اسناد هر آدم منصفی قضاوت می‌کند که در آنها کمترین مطلبی که بتواند توجیه‌کننده بیانات خلاف واقع جنابعالی باشد وجود ندارد. بلکه بالعکس.

## هدایت اسلامی و دادگاهها

اما مسئله کلی‌تر که عوامل بروز و توسعه و تشدید درگیری‌های مسلحانه و خرابکاری‌ها چه بوده، لازم است تذکر دهم که نهضت آزادی ضمن آنکه همواره اعمال ضد انقلاب و تروریسم و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را منع و محکوم کرده، دعوی و درخواستی جز این نداشته است که قانون اساسی و احکام قصاص به دور از تعدی از حدود الهی و از تلافیگری و تجاوز و تفریط اجرا گردد، آیه شریفه ولایجرمنکم شنئان قون علی الاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی فراموش نشود و وصیت مولای متقیان درباره ضارب خودش نصب العین باشد که فرمود مبادا به بهانه و با فریاد «قتل امیرالمومنین» متعرض کسان و همفکران او بشوید و در معادله‌بندی قصاص جلوتر از آن بروید. در هر حال ورود در این بحث که چگونه انصاف و تقوی باید رعایت شود و تا چه حد خصومت و خشونت موثر و قابل قبول می‌باشد احتیاج تام به امنیت قضایی، جو سالم اسلامی و وجود آزادی بر طبق قانون اساسی دارد.

ضمناً انقلابی عمل کردن یا نکردن در گذشته که به طور در بست عنوان فرموده‌اید تا آنجا که ارتباط با دولت موقت پیدا می‌کند موضوع سخت پیچیده، گره خورده به اختلافات و اغراض و انحرافات شده است که قاعدتاً تصدیق می‌فرمایید مبنای رسیدگی و ملاک قضاوت نسبت به آن، چیزی جز متن و منطوق فرمان مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۵ امام به‌عنوان اینجانب و قوانین و مصوبات حاکم در آن زمان نمی‌تواند باشد.

در هر حال بنده به نام اسلام و ایران، اتهامات بی‌اساس و سب و دشنام‌ها و تحریکات غیراسلامی و اخلاقی که مدتهاست علیه دولت موقت و نهضت آزادی ایران و اینجانب، در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و برخی مدارس، مساجد، مناظر و خطبه‌ها برخلاف ابتدایی‌ترین موازین اسلامی و اخلاقی و اصول قانون اساسی راه افتاده و متهمین و مظلومین از بدیهی‌ترین حق دفاع مشروع و جواب قانونی محروم می‌باشند، را رد کرده به جنابعالی نیز در مورد مطالبی که در ابتدای نامه آمده و قاضی خود مدعی شده است، گله و اعتراض داشته و به احکم الحاکمین که رب العالمین و مالک یوم الدین است وکالت می‌دهم.

والسلام علی من اتبع الهدی

مهدی بازرگان

۸ خردادماه ۱۳۶۱

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

### نامه سرگشاده نهضت آزادی به ائمه جمعه سراسر کشور

بسمه تعالی

عن جابر بن عبدالله قال: رسول الله (ص) الا اخبركم بشرار رجالكم؟ قلنا بلى يا رسول الله فقال: ان من شرار رجالكم البيهات الجرى الفحاش...

از جابر بن عبدالله روایت شده است که پیامبر گرامی است از ما (اصحاب) پرسید آیا علاقمندید بدترین افراد اجتماع را به شما معرفی کنم؟ پس از آنکه ما پاسخ مثبت دادیم پیامبر (ص) فرمود: بدترین کسی است که بسیار افترا ببندد، بی‌باک، فحاش و هرزه گو باشد...

(اصول کافی جلد ۳ کتاب الایمان و الکفر)

### حضرات علمای اعلام و حجج اسلام ائمه جمعه سراسر کشور دامت توفیقاتهم سلام علیکم و رحمت الله و برکاته

شاید با دیدن روایتی که در آغاز این نامه سرگشاده آمده حدس می‌زنید که محتوای نامه گرد چه محوری بنا شده و مسئولیت آقایان در برابر این محتوی چیست. آری سخن از مسئولیت خطیر ائمه جمعه و روحانیت متعهد در برابر عمل غیراسلامی و خلاف قانونی است که به طور مستمر در برخی از مراسم سیاسی عبادی نماز جمعه پیش چشم آقایان و دولتمردان و مسئولان کشور انجام می‌گیرد.

قبل از شروع، باید بگوییم هدف ما از نوشتن این نامه سرگشاده، علاوه بر استفاده از حق الهی و مشروع فریاد برآوردن که خدای تعالی برای همه ستمدیدگان قائل شده است (۱)، جلوگیری از بدعتی است که توسط عناصری مغرض یا ناآگاه در مراسم نماز جمعه آغاز گردیده است. ما وظیفه اسلامی خود می‌شماریم که در برابر این بدعت ایستاده، آنچه از کتاب و سنت در این باره می‌دانیم به دیگران بازگو کنیم تا مشمول لعنت خدا نگردیم. (۲)

ما طی ملاقاتهای خصوصی و تماسهای برادرانه‌ای با مسئولان امر به ویژه با حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تا آنجا که ممکن بوده است به وظیفه خود اقدام و توصیه به حق نموده‌ایم. همچنین طی نامه مورخ ۶۰/۱۱/۲۰ به اتهامات خلاف واقع دادستان انقلاب مرکز در پیش خطبه نماز جمعه تهران (۹ بهمن ۶۰) به مقامات قضائی شکایت نموده‌ایم.

آقایان حجج اسلام: امت دلیر و رزمنده ما سالها در انتظار روزی بود که بتواند، آزادانه در نماز سیاسی - عبادی جمعه شرکت کند و با شتافتن به سوی ذکر خدا (۳) و کمک گرفتن از نیروی منکر برانداز نماز (۴)، همگام و همدل، به مصالح دینی و دنیایی خود آشنا شده همچون دیواری استوار در برابر مطامع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی استبداد داخلی و استیلاي خارجی بایستد. اعلام اقامه نماز جمعه از طرف

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی در نیمه اول ۱۳۵۸ به امامت مجاهد نستوه آیت‌الله طالقانی پاسخی به آرزوی دیرینه این ملت رنجیده و تحقق آرمان همیشگی تشیع سرخ علوی بود که با استقبال کم نظیر روبرو شد. از دوران امامت آیت‌الله طالقانی نماز جمعه میقات همه عاشقان ذکر خدا، علاقمندان به اصلاح جامعه و رهروان راه انقلاب اسلامی و برآستی نیروی دشمن شکن در برابر عوامل ضد انقلاب و قدرتها و ابرقدرتها درآمد و امام جمعه نماینده امام میان مردم، رابطه منطقی میان امام و دولت و جامعه، بازگوکننده دردهای اجتماعی، منعکس سازنده پیشنهادات مردم به مسئولان کشور، توضیح دهنده مشکلات دولتمردان به مردم و در یک جمله عامل هم آهنگ کننده و وحدت آفرین در جهت مصالح دولت و ملت گشت.

باید بگوییم که اگرچه نماز توانسته است نقش موثر خود را در حفظ وحدت در جهت مبارزه با عوامل ضد انقلاب و ابرقدرتهای شرق و غرب به ویژه آمریکای جهانخوار و ارتش مزدور بعثی عراق ایفا کند، متأسفانه، در برخی از مراسم سب و لعن مومنین و فحش و تهمت به آنان کاری متداول گشته و نماز وحدت آفرین جمعه از این جهت به کانون تفرقه و ایجاد نفرت تبدیل شده است. در این مراسم، در خلال سخنرانی‌های پیش از نماز و حتی خطبه‌های امام جمعه شعارهایی که محتوی سبب و لعن و تهمت به مومنین است توسط گروهی معدود داده می‌شود.

رهبر علیقدر انقلاب راجع به خطبه‌های نماز جمعه در تحریرالوسیله فرموده‌اند:

«بر امام جمعه واجب است در خطبه‌ها حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیامبر و توصیه به تقوی کند» (۵). بدیهی است سکوت امام جمعه در برابر عمل حرام و تفرقه‌افکن سب و لعن مؤمن اگر عامل تشویق‌کننده تلقی نشود، لااقل، دلیلی بر جواز این عمل شمرده خواهد شد.

وقتی در نمازهای جمعه، که قرار است بلندگوی اعلام ارزشهای والای الهی باشد، معیارهای اسلامی اینچنین گستاخانه زیر پا گذاشته شود آیا می‌توان از برخی مسئولان وزارت آموزش و پرورش که نوجوانان دبستانی و دبیرستانی را بدون آنکه آشنایی و آگاهی داشته باشند وادار به سب و لعن مومنین می‌کنند جز این انتظار داشت؟

**پاسداران شریعت:** آیا توجه دارید که در برخی از نمازهای جمعه به کسی دشنام می‌هند که در دوران استبداد و الحاد شاهنشاهی نماز و اسلام را به دانشگاه آورد و در این راه همکار و همگام مرحوم طالقانی اولین امام جمعه پس از انقلاب بود. امام امت نیز به «ایمان راسخش به مکتب اسلام» (۶) اعتماد داشته و با اعتماد به دیانت و امانت و حسن نیت مشارالیه از زحمات و خدمات طاقت فرسای ایشان (۷) قدردانی کرده‌اند؟ آیا با این سوابق کسی می‌تواند تردید کند که شعارهایی که علیه آقای مهندس بازرگان و همکارانشان داده می‌شود چیزی جز سب و لعن مؤمن می‌باشد؟ آیا آنانکه چنین شعارهایی می‌دهند مصداق روایت جابر بن عبدالله نیستند؟

شاید بفرمایید ایستادگی در برابر شعاردهندگان کاری آسان نیست و مصالح سیاسی اقتضای آن دارد که در برابر این عمل خلاف نایستم. عجباً در نماز جمعه‌ای که امام و سایر فقهای امامیه بر لزوم طلب آموزش برای مردان و زبان مومن تاکید نموده‌اند (۸) مومنان مورد تهمت، سب و لعن قرار می‌گیرند و امام

جمعه‌ای که موظف است شجاعانه از حق پشتیبانی کرده و با باطل بستیزد در برابر این عمل ساکت می‌ماند. ما بدون آنکه بخواهیم در ماهیت مسئله و هویت شعاردهندگان و مشوقان آنان وارد شویم توجه آقایان را به نظر امام امت در مورد شرایط خطیب نماز جمعه جلب می‌کنیم. رهبر انقلاب در این باره فرموده‌اند: سزاوار است خطیب نماز جمعه، علاوه بر بلاغت، بدان درجه از شجاعت رسیده باشد که از ملامت کشیدن در راه خدا و اظهار حق و مبارزه با باطل نهراسد(۹).

خوشبختانه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی امام جمعه موقت تهران در خطبه نماز جمعه ۶۱/۳/۷ شجاعانه به این وظیفه اسلامی عمل نمودند که موجب امیدواری است.

آقایان خود بهتر از هرکس می‌دانند که این شعارپراکنی‌ها و جوسازی‌های دشمن شادکن جریان طبیعی خود بخودی نداشته از تلقین و تحریکهای افراد معدود خاص و از تبلیغات مغرضانه یکجانبه سرچشمه می‌گیرد. حضرت آیت‌الله منتظری نیز نگرانی خود را از دادن اینگونه شعارها ابزار داشته و از بکار نبستن توصیه‌های ایشان در مورد جلوگیری از این شعارها اظهار عدم رضایت فرمودند.

علاوه بر فتوای امام و نظر آیت‌الله منتظری، قانون اساسی جمهوری اسلامی آقایان را موظف می‌سازد که در برابر زیر پا نهادن اصل بیست و دوم قانون اساسی که می‌گوید «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» لب به اعتراض گشوده اجازه ندهند در ملاء عام و در جایی که باید ذکر خدا و قانون حاکم باشد اینگونه ارزشها و معیارهای اسلامی و اصول قانون اساسی منبعث از آن پایمال شود.

جناب آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۱۳ رجب امسال به مناسبت میلاد مولای متقیان علی(ع) اظهار داشتند هدف ایجاد حکومت علی(ع) می‌باشد. ما اطمینان داریم هر فرد مسلمان به ویژه افرادی که سالها قربانی مظالم طاغوت بوده‌اند هدفی جز این ندارند. در این رابطه از ائمه محترم جمعه می‌پرسیم آیا در هیچ منبع تاریخی خوانده‌اید که در نماز جمعه‌هایی که به امامت(ع) برگزار می‌شد مومنی مورد سب و لعن قرار می‌گرفت؟ تا آنجا که ما در نهج البلاغه خوانده‌ایم علی(ع) نارضایی خود را از دشنام گویی حتی به عنصری چون معاویه و یارانش اعلام داشته و توصیه فرموده است بجای این کار به نقد و انتقاد و ارزیابی و معرفی کارهای آنان بپردازند و هدایت آنان و وحدت مسلمین را از خدا بطلبند.(۱۰)

بدیهی است این روش سازنده و الهی با شیوه‌های مخرب و خصمانه‌ای که از طریق مکاتب الحادی در انقلاب ما رخنه کرده و علیه نهضت آزادی ایران به کار گرفته می‌شود، کاملاً متفاوت است.

در اینجا باید بگوییم برادران نهضت آزادی افراد جدیدالاسلامی نیستند که خواسته باشند به بهانه انقلاب و با عنوان اسلام عقده‌های انتقامشان را ارضا نمایند. اینها در اعتقاد و اجرای اسلام از زمان و مکانی راه افتاده‌اند که قیام به نماز و حجاب و قرآن، استقبال از استهزا و اخراج و انزوا بود. مسجد و جمعه و قرآن، خانه‌ها و نهادهایی است که قبلاً خاموش و خلوت بود و نهضتی‌ها از زمان رضاخان، بعد از کودتا در دوران نهضت ملی شدن نفت، در مبارزات نهضت مقاومت ملی و در خود نهضت آزادی در مدرسه و مسجد و اداره و زندان با همکاری شخصیت‌های روحانی چون طالقانی و مطهری و استاد شریعتی جوانان مملکت را به سوی آنها سوق دادند. همین‌ها بودند که از چهل سال پیش به این طرف با استدلال و اصرار منادی تبعیت و الهام سیاست از دین بوده، تدوین‌کنندگان جهان‌بینی اسلامی و ایدئولوژی سیاسی مبتنی بر قرآن

گشتند و موسس حزب سیاسی منبعث و مجری اسلام شدند. و روزگاری قدم در این وادی مقدس گذاردند که دخالت روحانیت در این امور خلاف تقوی و تقدس شمرده می‌شد. نه غرب زده هستند و نه علم زده بلکه در لباس غرب و در لسان علم از آزادی و استقلال ایران و از حقانیت اسلام و اصالت وحی دفاع کردند.

با توجه به وظایف خطیر ائمه جمعه در ابطال باطل و اظهار حق انتظار می‌رود آقایان محترم نه تنها رخصت به سب و لعن این گونه افراد در نماز جمعه و در مساجد و پای منابر ندهند بلکه مدافع و مبلغ کسانی باشند که کهنه سالکان طریق و دل‌بستگان خط خدا هستند.

کسانی که سابقه اجتماعی و مبارزات سیاسی دارند به خوبی تشخیص می‌دهند که جو مسموم فعلی و تبلیغات یک جانبه وسیع و ناجوانمردانه‌ای که علیه نهضت آزادی ایران می‌شود بیشتر از سوی دشمنان انقلاب اسلامی و آنان که می‌خواهند نشان دهند اسلام قادر به اداره جامعه نیست ریشه می‌گیرد و هدفی جز انتقام و انهدام باغبانان و خدمتگزاران نهال آزادی و اسلام واقعی را ندارند.

دعای ما این است که با نوشتن این نامه سرگشاده بتوانیم به وظیفه اسلامی خود در جلوگیری از سب و لعن مومنین در نماز جمعه که سنتی اموی است و مسلماً به زمان حاضر و اشخاص فعلی محدود و منحصر نخواهد ماند جلوگیری کنیم. امیدواریم شما نیز به گفته ما به دیده خوشبینی بنگرید و اطمینان داشته باشید که در این راه جز خیر و سعادت امت اسلامی که خود جزئی از آنیم چیزی نمی‌خواهیم.

در اینجا از فرصت استفاده کرده اعلام می‌داریم در صورتی که آقایان ائمه جمعه از عملکرد نهضت آزادی ایران و شخصیت‌های وابسته به آن قبل از پیروزی انقلاب و بعد از آن، ایراد، اشکال یا سئوالی داشته باشند، ما آماده‌ایم در جلساتی که بدین منظور از طرف آقایان تشکیل شود حضور پیدا کرده ضمن توضیح و بحث و گفتگو از رهنمودهایشان بهره‌گیریم.

به هر حال، انقلاب اسلامی ما موهبتی الهی است که پس از قرن‌ها مجاهدت و مبارزه، در این زمان به ثمر رسیده است. بهره‌برداری ما از این موهبت در گرو مبارزه با بی‌تقوایی‌ها، خودخواهی‌ها، کینه‌توزی‌ها و بدعت‌گذاری‌ها است. اگر ما نتوانیم در برابر این عوامل فساد و انحراف ایستادگی کنیم بر اساس سنت الهی، این موهبت به مایه نکبت و بدبختی مبدل خواهد گشت و مکارم اخلاق که پیامبر آن را علت بعثت خود دانسته است (۱۱) ناپدید خواهد شد و خدای نخواستہ نماز جمعه ما همچون نمازهای جمعه دوران خلفا وسیله اعمال سیاست و حفظ قدرت زورمندان خواهد گشت. مسلمانان این تجربه تلخ را برای چهارده قرن آزموده و سزاوار نیست پس از ۱۴۰۰ سال شکست و محرومیت مجدداً این راه پرخطر را بپیمایند.

بر این پایه است که ما از ائمه جمعه سراسر کشور بویژه امام جمعه تهران انتظار داریم که از سنت سیئه سب و لعن مومن که عملی خلاف شریعت و قانون است جلوگیری فرموده با راهنمایی و ارشاد خود این رفتار غیراسلامی را ریشه کن سازند.

توفیق آقایان را در دفاع از حق و ابطال باطل و خدمت به انقلاب و ملت از خدای تعالی خواستاریم.

ربنا لاترغ قلوبنا بعد از هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمہ انک انت الوهاب (۱۲).

روابط عمومی نهضت آزادی ایران

۸ خردادماه ۱۳۶۱

#### فهرست ماخذ:

- (۱) لا يحب الله الجهر بالسو من القول الا من ظلم (سوره نسا آيه ۱۴۸)
- (۲) اذا ظهرت البدع فى امتى فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لعنة الله (اصول كافى جلد اول كتاب فصل العالم)
- (۳) اذا نودى للصلوه من يوم الجمعة فاسعوا الى ذكر الله (سوره جمعه آيه ۹)
- (۴) الصلوه تنهى عن الفحشا و المنكر (سوره عنكبوت آيه ۴۵)
- (۵) يحب فى كل من الخطبتين التحميد و يعقبه بالتثنا عليه تعالى... و الصلوه على النبى... و الايضاء بتقوى الله فى الاولى.  
(تحريرالوسيله امام خمينى جلد اول صفحه ۲۳۳)
- (۶) فرمان امام در انتصاب مهندس بازرگان به نخست‌وزيرى
- (۷) نامه امام به شوراي انقلاب در مورد استعفا مهندس بازرگان
- (۸) تحريرالوسيله امام خمينى جلد اول صفحه ۲۳۶
- (۹) و يبغي ان يكون الخطيب بليغا... شجاعا لايلومه فى الله لومه لائم، صريحا فى اظهار الحق و ابطال الباطل تحرير الوسيله همان صفحه)
- (۱۰) ان اكره لكم ان تكونوا سبابين... (نهج البلاغه خطبه شماره ۱۹۷)
- (۱۱) قال رسول الله(ص) انى بعثت لاتمم مكارم الاخلاق
- (۱۲) خدايا دلهاى ما را پس از هدايت شدن به باطل راه مده و ما را از رحمت خود بهره‌مند ساز كه تو بسيار بخشنده اى(سوره آل عمران آيه ۸)

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

### نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به وزیر آموزش و پرورش

بسمه تعالی

قال رسول الله (ص): سباب المومن من فسوق و قتاله كفر... پیغمبر (ص) فرمود: دشنام گویی به مومن نابکاری (بی ایمانی) است و جنگیدن با او کفر است... (اصول کافی جلد سوم کتاب الکفر و الایمان)

جناب آقای علی اکبر پرورش

وزیر محترم آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم، مدتی است در مراسم دعای صبحگاهی و نمازهای ظهر و عصر و به مناسبت‌های مختلف در برخی از مدارس تهران و شهرستانها، جوانان و نوجوانان دانش‌آموز را وادار به سب و لعن مومنین و دادن شعارهای ناحق و آکنده از تهمت و افترا علیه آقای مهندس بازرگان و بعضی همفکران ایشان می‌نمایند که در مواردی با اعتراض دانش‌آموزان و یا اولیا آنان روبرو شده است. این عمل، آنهم در محیط آموزش و پرورش که انتظار می‌رفت بعد از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی مرکز و محور مبارزه با ارزشهای دوران جاهلیت شاهنشاهی و کانون آموزش و پرورش ارزشهای والای اسلامی باشد، تخلف آشکار از موازین شرعی و تجاوز از اصول مصرحه در قانون اساسی است.

چنین روشهایی هیچگونه جایی و راهی در اسلام ناب و اصیل ندارد.

هرگز خداوند در قرآن مجید چنین رخصتی به مومنین نداده است و هرگز در دوره رهبری رسول الله (ص) و یا در دوران خلافت امام علی (ع) چنین روشهای عادی و جاری در انقلابهای غیرالهی معمول و مجاز نبوده است. آنچه تاریخ به ما نشان می‌دهد آن است که در دوران خلافت پنج ساله مولای متقیان علی (ع) هرگز اجازه داده نشد که پیروان آن حضرت در نمازهای جمعه، در مسجد کوفه و یا در جای دیگر مومنین را که سهل است حتی دشمن را سب و لعن کنند. برعکس در نهج البلاغه ما می‌خوانیم که علی (ع) با اصرار و تاکید بر اسلام ناب به پیروان خود توصیه می‌کند که من دوست ندارم شما از سبابتان باشید.<sup>۱</sup>

تاریخ به ما می‌گوید که برخلاف روشهای الهی امیرالمومنین (ع)، در قلمرو حکومت معاویه اصرار و تاکید بر آن می‌شد که مومنی چون علی (ع)، را با آن همه سوابق در خدمت به اسلام و جهاد در رکاب رسول اکرم (ص) سب و لعن کنند و این حکومت معاویه بود که با جوسازیها و دروغ پردازیها و تهمت و افترا بر مومنین آنچنان امر را حتی بر مسلمانان ساده‌اندیش مشتبه ساخت که وقتی حضرت علی (ع) در محراب با شمشیر یکی از خوارج، که خود قربانی آن جوسازیها و محصول سیاسی‌کاریهای معاویه بود

1 - من دوست ندارم شما از دشنام‌دهندگان باشید (خطبه ۱۹۷، نهج البلاغه فیض الاسلام).

ضربه خورده و به شهادت می‌رسد، همان مردم ناآگاه و جوزده و سب و لعن کنندگان علی(ع) با تعجب می‌پرسند مگر علی(ع) هم نماز می‌خواند؟!

جناب آقای وزیر: آنچه در قلمرو آموزش و پرورش رخ می‌دهد قانوناً و شرعاً شما مسئول آن هستید، مسئول در پیشگاه ملت و مسئول در پیشگاه خدا. روزی از شما سؤال خواهد شد که شما به چه مجوزی و با کدام معیار اسلامی اجازه دادید که در محیط تربیت جوانان و نوجوانان مملکت، چنین اعمال منکری صورت گیرد و شما هم ناظر و با سکوت خود عملاً تاییدکننده آن باشید.

فرض کنیم که جوسازیهای سیاسی موجود علیه امثال آقای مهندس بازرگان یا اشخاص دیگری که بعداً در برنامه قرار گیرند آنچنان باشد که شما نیازی به پاسخگویی به مردم را احساس نکنید اما شما که معتقد به خدا و قیامت هستید جواب خدا را چه خواهید داد؟

در جمهوری اسلامی هدف از تعلیم و تربیت فراهم ساختن مقدمات حرکت و هدایت آدمی در صراط مستقیم خدمت و محبت به انسان و جهان و پرستش پروردگار سبحان و تسهیل معراج او به کمال انسانی است و از این رو تعلیم و تربیت در ادامه و امتداد رسالت پیامبران می‌باشد!

مؤسسات وابسته به آموزش و پرورش، دبستانها و دبیرستانها بایستی جایگاه تزکیه و تربیت نسل جدید اسلامی و نועدوستی و رحمت و آزادگی باشد. ستون اصلی انقلاب فرهنگی، به معنای واقعی آن یعنی تزکیه نفوس بایستی در مدارس صورت گیرد. زدودن رسوبات فرهنگ جاهلی دوران طاغوت و استبداد شاهنشاهی، تعصبات گروه گرایانه سیاسی و تقدم مصلحت حکمرانان بر مصالح ملت و مملکت از اذهان جوانان، آموزش استقلال فکر و اندیشه و شخصیت و شکل‌گیری ارزشهای والای توحیدی، بازگشت به فطرت خداگونه انسان همه باید در محیطهای آموزش و پرورش صورت گیرد. حال آیا به راستی تصور می‌کنید روشهای تخریبی تفرقه و تلقین نفرت و دشمنی، سب و لعن، دروغ و افترا به مومنین و وادار ساختن جوانان و نوجوانان معصوم و بی‌خبر به چنین منکراتی می‌تواند موجب تزکیه نفس و رشد مکارم اخلاق و زدودن تعصبات جاهلانه مرسوم در فرهنگ‌های غیرتوحیدی شاهنشاهی و یا الحادی و مارکسیستی گردد و یا موجب رشد شخصیت جوانان و تقویت تعهد آنان به اسلام و ایران شود؟

جناب آقای پرورش! خداوند بزرگ در قرآن می‌فرماید:

ولاتسوا الذين يدعون من دون الله...

کسانی را که مردم را به غیرخدا دعوت می‌کنند سب نکنید. (سوره انعام آیه ۱۰۸)

اما در آموزش و پرورش زیر نظر و کنترل شما و دوستانتان، جوانان و نوجوانان را وادار می‌سازد به مومنین خدا و کسانی که سالهای دراز عمرشان را در داخل و خارج مملکت به ارشاد جوانان و معرفی اسلام اصیل به آنان صرف کرده‌اند سب و لعن کنند و تهمت و دروغ و افترا به آنان امر رایج و نردبان ترقی شده است.

مسئله این نیست که چرا به خادمین اسلام و ایران چنین بی‌محابا و به دور از کمترین تقوای اسلامی زشت‌ترین نسبت‌ها را می‌دهند و در دعاهای صبحگاهی و شعارهای روزانه آنان را سب و لعن می‌کنند! نه مسئله مهم ما این نیست. آنها به خدا معتقدند و او را احکم الحاکمین می‌دانند از اینگونه برخوردهای غیراسلامی و روشهای جاهلیت شرک‌آلود و کفرآمیز ترس و یا نگرانی ندارند. برادران نهضت آزادی افراد

جدیدالاسلامی نیستند که خواسته باشند به بهانه انقلاب و با عنوان اسلام عقده‌های انتقامشان را ارضا نمایند. اینها در اعتقاد و اجرای اسلام از زمان و مکانی راه افتاده‌اند که قیام به نماز و حجاب و قرآن، استقبال از استهزا و اخراج و انزوا بود، مسجد و جمعه و قرآن، خانه‌ها و نهادهایی است که قبلاً خاموش و خلوت بود و نهضتی‌ها از زمان رضاخان، بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد و در مبارزات نهضت مقاومت ملی در خود نهضت آزادی در مدرسه و مسجد و اداره و زندان و تبعید و آوارگی، در داخل و خارج کشور با همکاری شخصیت‌های علمی چون طالقانی و مطهری و استاد شریعتی و سردار رشید اسلام دکتر چمران، جوانان مملکت را به سوی ارزشهای والای اسلامی سوق دادند. همین‌ها بودند که از چهل سال پیش به این طرف با استدلال و اصرار منادی تبعیت و الهام سیاست از دین بوده و تدوین‌کنندگان جهان‌بینی و ایدئولوژی سیاسی مبتنی بر قرآن گشتند و موسس حزب سیاسی منبعث و مجری اسلام شدند. و به همین دلیل هم از همان آغاز حرکت انواع و اقسام تهمت‌ها، دروغ‌ها و افتراءات علیه اینان از چپ و راست آغاز شده و ادامه یافت. آن روزی که اولین نمازخانه در دانشکده فنی به روی دانشجویان مسلمان گشوده شد، انجمن‌های اسلامی دانشجویان پایه‌ریزی گردید، و اولین سخنرانیهای مذهبی در معرفی اسلام اصیل و پاک شده از خرافات اعصار، به دانشجویان و جوانان روشن ضمیر آغاز گردید دشمنان اسلام چه آنها که متولیان قدرتهای سیاسی و اجتماعی بودند و چه حزب توده و گروههای مارکسیستی که رشد جریان اسلامی منبعث از دانشگاه را به نفع خود نمی‌دیدند علیه نهضت‌ها بسیج شدند و انواع تهمت‌ها را بر ما وارد ساختند. حزب توده که در شکل دادن به افکار جوانان ما یکه‌تاز میدان و از استقبال جوانان و دانشجویان به اسلام راستین نگران و ناراحت بود در نشریات وابسته به خود ما را پان‌اسلامیست‌های وابسته به سفارت آمریکا معرفی کرد و راست‌گرایان غرب‌زده محصول دوران بیست ساله استبداد رضاخان همراه با مرتجعینی که دین را دکان خود ساخته بودند، ما را به ناحق علم زده و غرب زدگانی که می‌خواهیم «سیاست» را به مساجد ببریم معرفی کردند و مرحوم طالقانی را «آخوند سیاسی» و مهندس بازرگان را علم زده و... که باید منزوی شوند قلمداد نمودند. بعدها نیز که حرکت فکری شریعتی اعماق روح نسل جوان تشنه حقیقت جامعه ما را متأثر ساخت و اثرات شگرفش ظاهر شد از همه طرف مورد حمله و هجوم انواع تهمت‌ها قرار گرفت و کمتر فحش و تهمتی بود که از جانب وعاظ السلاطین و یا به تعبیر امام «آخوندهای درباری» که دعاگویان و پاسداران نظام شاهنشاهی بودند نثار این متفکر بزرگ اسلامی نگردد.

آن تهمت‌ها و حملات با همه ناجوانمردیها و حق کشیهایی که همه ناظر آن بوده‌ایم چندان غیرمنتظره و تأسف‌آور نبود اگر آن روزها گروههای وابسته به چپ و راست، همسو و هم جهت شده و بر جریان اسلامی منبعث از دانشگاه و نهضتی‌ها چنان اتهاماتی را وارد می‌ساختند. تأسف‌آور نبود زیرا جز آن انتظاری نمی‌رفت اما با نهایت تأسف امروز جامعه اسلامی ما شاهد این است که در برخی مدارس و نهادهای وابسته به آموزش و پرورش جمهوری اسلامی چنین منکراتی به نام اسلام و زیر پوشش «مکتب» صورت می‌گیرد و وزیری که بر این مؤسسات کنترل و نظارت دارد با سکوت خود عملاً تأییدکننده این منکرات شده است.

خداوند متعال با رحمت و اسعه خود نه تنها مومنین را از سب مشرکین و ماتریالیست‌ها و

مارکسیست‌های ملحد و یا دنیاپرستان و متکثرین دنیاگرا منع نموده است بلکه حتی دستور فرموده آنهایی را که از این گروهها قدم از اعتقاد شخصی فراتر نهاده و به تبلیغ الحاد و شرک در میان مردم می‌پردازند، سب نکنید. شگفتا در جمهوری اسلامی ایران گروههای الحادی از این دستور رحمت‌آمیز الهی بهره‌مند شده آزادانه نشریات خود را چاپ و منتشر می‌نمایند و از برکت جمهوری اسلامی از تعرض مصون هستند اما پرسابقه‌ترین خدمتگزاران به اسلام و ایران مورد زشت‌ترین اتهامات قرار می‌گیرند؟

جناب آقای وزیر: انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با قبول و تأکید بر اسلامی بودن، تعهد بزرگی در برابر خدا و ملت ایران و مردم جهان بر عهده گرفته است. اعمال منکری که در برخی مدارس و مساجد و نمازهای جمعه علیه مؤمنین صورت می‌گیرد با معیارهای اصیل اسلامی فرسنگها فاصله داشته و نمونه‌ای آشکار از پایبند نبودن بدین تعهد است.

آموزش اسلام اصیل و تأسیس حکومت علی(ع) کجا! و شیوه سب و لعن و دروغ و تهمت و جوسازی علیه خدمتگزاران به اسلام و ایران کجا!

آیا تهمت و لعن و سب مسلمانانی که صداقت و ایمان و خدمت آنان به ایران و اسلام مورد تصدیق امام و امت بوده است می‌تواند برنامه خودسازی و تربیت سیاسی دانش‌آموزان معصوم، مشوق پشتیبانی آگاهانه و حمایت از برابری، راستی و عدالت و موجب پرورش نسلی حق‌طلب و حق‌پذیر باشد؟ آیا اینگونه رفتارهای غیراسلامی خواهد توانست باعث اعتلاء و بهبود روابط مهرآمیز و تفاهم و وحدت بین مؤمنین و مسلمانان و تشویق روحیه حق‌شناسی نسبت به خدمتگزاران به دین و مملکت و ملت گردد؟

آیا تا به حال اندیشیده‌اید که اگر گروهی موفق شوند مردم را نسبت به کسانی که سابقه مبارزات و خدمات اسلامی سالیان دراز آنها در داخل و خارج کشور بر همه آشکار است بدبین نموده و از این اشخاص هتک حرمت و حیثیت بنمایند، سرنوشت دولتمردانی که مردم ما آشنایی و اطلاعاتی از سوابق اسلامی و یا سیاسی آنها ندارند چه خواهد بود؟ اگر موفق شوند با ترور شخصیت افراد سوابق و خدمات آنها را مخدوش سازند - که هرگز نخواهند توانست - به چه دلیل مردم ما به کسانی که اسلامی و انقلابی بودندشان بعد از پیروزی انقلاب نمایان شده و تا کنون امتحان شایسته‌ای نداده‌اند اعتماد کنند؟

از ما بپذیرید که این جوسازیها و این روشهای تخریبی غیراسلامی ولو چند صباحی قدرت سیاسی گروهی را تثبیت کند، به نفع استقرار و استمرار جمهوری اسلامی ایران نیست و نهایتاً تنها به نفع دشمنان انقلاب اسلامی ایران خواهد بود.

جناب آقای پرورش: لازم بود ما این نامه را زودتر و پیش از تعطیلی مدارس برای شما می‌فرستادیم. از همان اولین روزهایی که این روشهای تفرقه و تحریک سب و لعن مؤمنین در مدارس آغاز گردید، ما مصمم بر این کار بودیم. اما در ابتدا تصور می‌کردیم که شاید برنامه خاصی در کار نباشد و این شیوه‌ها، نتیجه اعمال نظر اشخاص منحرف و مغرض که در آموزش و پرورش نفوذ کرده و یا عناصر صادق ناآگاه باشد و تصور می‌کردیم که با بودن شما در آموزش و پرورش جلوی این کارهای تخریبی و نظایر آن گرفته خواهد شد و نیازی به تذکر و اعتراض و اقدام به انجام وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر نخواهد بود، اما ادامه و گسترش بخشنامه گونه این روشها در مدارس، با شعارها و محتوای واحد شیوه‌های یکسان به ما نشان داد که چنین تصویری درست نبوده است لذا بر آن شدیم ولو آنکه دیر هم

باشد به وظیفه توصیه به حق خود اقدام نماییم و این تذکرات را بر سبیل «فذكر فان الذكرى تنفع المؤمنين» بدهیم. امیدواریم که شما به گفته ما به دیده خوش بینی نگریسته و این تذکر را به طور مقتضی به کلیه مسئولان وزارت آموزش و پرورش منتقل فرمایید. اطمینان داشته باشید که ما در این راه جز خیر و سعادت امت اسلامی چیزی نمی‌خواهیم.

توفیق جنابعالی را در دفاع از حق و منع باطل و خدمت به انقلاب اسلامی و ملت زجر دیده ایران از خدای تعالی مسئلت داریم.

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

۱۹ خردادماه ۱۳۶۱

## نامه مهندس بازرگان به حجت‌الاسلام خامنه‌ای

### دبیرکل حزب جمهوری اسلامی

حجت‌السلام والمسلمین جناب آقای سیدعلی خامنه‌ای، دبیرکل محترم حزب جمهوری اسلامی

با حمد خدای سبحان، درود بر پیغمبران و شهیدان و صالحان و با تجدید سلام و دعای عافیت و توفیق برای آن جناب، بار دیگر زحمت‌افزا می‌شوم.

این نامه را نه به ریاست جمهوری و شخص جنابعالی بلکه به دبیرکل حزب جمهوری اسلامی می‌نویسم. سلام و گلابه و اعتراض به حزب زیر نظارتتان دارم. حزبی که هنوز نفهمیده‌ام چرا از روز تأسیس سرناسازگاری و بی‌لطفی (و بعداً بی‌انصافی) نسبت به دولت موقت و نهضت آزادی و اینجانب داشته‌اند. در صورتی که نظر شهید دکتر بهشتی در مذاکراتی که سال قبل از پیروزی انقلاب با آقای دکتر سبحانی و بنده برای ورود در سیاست و تشکیل حزب داشتند ترکیب و توسعه نهضت آزادی ایران بود.

فعالاً از گذشته و از نوش و نیش‌های سنوات اخیر حرفی نزنده با اجازه‌تان تنها دو جریان را پیش می‌کشم و جنابعالی را قاضی می‌کنم. یکی سرمقاله ۶ اردیبهشت ۱۳۶۱ ارگان حزب، تحت عنوان «آیا سزاوار است» و چاپ نکردن جواب آن که خواهش نموده بودیم شخصاً ملاحظه و اقدام خدایسندانه‌ای که خود بیسندید بفرمایید.<sup>۱</sup> جریان دوم که نارواتر از اولی است اینکه اجازه داده‌اند در چهارشنبه شب دوم تیرماه جاری شخصی که خودتان بهتر از بنده به سوابقش آگاهی دارید در مجلس عزای ماه رمضان برای تجلیل از شهدای هفت تیر حزب و بدون آنکه مناسبتی در کار بوده و خیر و رحمتی نثار ارواح آنان بشود علیه نهضت آزادی و دولت موقت سخن پراکنی کذایی با «عقدہ تکانی» بنماید!

جنابعالی در آن شب حضور نداشته به احتمال قوی فرصت تماشای پخش تلویزیونی را هم نکرده و شاید ندانید چه قلب حقایق و ایراد اتهامات و تحریکات به عمل آمد!

بسیار ناگوار و باعث تأسف است در ایامی که ملت و دولتماند درگیر مسائل سرنوشت ساز مملکت و در حل مشکلات تاریخ‌ساز انقلاب و جهان هستند و هر فرد یا گروه باید با تمام وجود مشارکت و قبول مسئولیت بنماید هر چند گاه فکرها و وقتیایی صرف حواشی بی‌خاصیت و دفع اباطیل و حملاتی می‌شود که جنبه خصوصی یا گروهی دارد و دیگران مطرح می‌نمایند. چه کنیم که ایادی و افرادی دست بردار نبوده با نقشه منظم و برنامه مستمر از راههای اغوا و انحراف و افترا به ایجاد جو بدبینی و بدخواهی، یعنی به تفرقه ملت و تخریب مملکت می‌پردازند. اگر چیزی نگوییم هم به لحاظ دفاع نفس که وظیفه هر مظلوم در برابر ظلم است مسئول خواهیم بود و هم به لحاظ دفاع از حق و حقیقت و حقوق مشابه دیگران،

1 - نامه شماره ۲۱/۴/۱۴۹۹ مورخ ۶۱/۴/۱۲

که وظیفه مهمتری در برابر خلق خدا و انقلاب و تاریخ است، مقصر می‌شویم. بعلاوه خود شما اگر چنین ناسزاهای را می‌شنیدید چه می‌کردید؟

بعد از آن شب نه تنها دوستان اینجانب بلکه هر شنونده یا خواننده بی‌طرف که آگاه از واقعیتها باشد از خود می‌پرسد چه نقشه و هدفی در کار است؟ غرض سخنران که می‌گفت اعضا اولین دولت بعد از پیروزی انقلاب و مسئولان آن زمان آدمهای زرنگی بوده وارث نظام شدند تا حکومت لیبرالیسم و دموکراسی را به وجود آورند و امریکا را راضی کنند، چیست. به علاوه چگونه و به دستور چه کسی این زرنگها روی کار آمدند؟

جوانان و گردانندگان حزب جمهوری اسلامی آیا از امثال جنابعالی و آقای هاشمی رفسنجانی نشنیده‌اند و نمی‌دانند که انتخاب و انتصاب نخست‌وزیر و تشکیل دولت موقت نه روی زرنگی و فرصت طلبی و زمینه چینی ما بوده است و نه به پیشنهاد و تقاضای این طرف. همانطور که در مصاحبه‌ای اشاره فرموده بودید نظر و تصویب خود آقایان مخصوصاً امام به این امر تعلق گرفته بود. خط‌مشی و برنامه دولت موقت نیز رهنمود امام با انشاء شهید مطهری و توشیح ایشان صادر گردید. در آن فرمان آیا تصریح به اطلاع از سوابق مبارزات ملی و اسلامی و اعتماد کامل نشده بود؟ پسوند «دمکراسی» بر عنوان جمهوری اسلامی که بهانه تهمت و توهین‌های سخنران آن شب و مغرضین متعدد دیگر شده است مگر در اساسنامه مصوب شورای انقلاب در جلسه مورخ ۱۷ بهمن ۵۷ بر طبق نظر شهید دکتر بهشتی نیامده بود؟ مگر رهبر انقلاب در مصاحبه‌های مکرر نجف و پاریس مکرر نفرموده بودند که حکومت اسلامی یک نظام جمهوری و دموکراسی است؟ علاوه بر اینها مگر در طول مدت نه ماه مسئولیت چندین بار اعلام نکرده بودم که علاقه و اصرار به این مقام نداشته هر زمان که رهبری انقلاب و شورای انقلاب کمترین نارضایتی داشته باشند یا راه‌های بهتر به نظرشان بیاد بی‌درنگ کنار خواهیم رفت؟ آمدنمان و ماندنمان زرنگی بود یا «تکلیف شرعی» که از طرف امام ارجاع و اصرار می‌شد؟

اگر این جریانها حقیقت است چرا باید در مرکز حزب بگذارند (یا بخواهند) چنان اکاذیب بیان گردد و صدا و سیمای جمهوری اسلامی آنها را پخش کند؟ و چرا یک جوانمرد مسلمان از میان آقایان برنخواست که به حکم «و لا تکتموا الشهاده و من یکتما فانه اثم قلبه» شهادت به حق بدهد؟ آیا نباید در برابر این یاوه‌سراییها جواب داده می‌شد که با صغری و کبری چیدنهای سفسطه آمیز خود، رهبر انقلاب و یاران برگزیده او در شورای انقلاب را بدنام و شریک اصلی جرم می‌کند؟ آیا واقعاً شما آقایان چه زنده‌ها و چه رفته‌ها گول ماها را خورده بودید یا با سپردن کار به دست امثال ما تعزیه گردان آمریکا شده بودید؟...

در نه ماه عمر دولت موقت کدام اتخاذ موضع سیاسی و اقدام اساسی بود که بدون اطلاع و نظارت و تصویب آقایان صورت بگیرد یا از شوری و رهبری انقلاب که ارتباط متقابل منظم مستمر داشتیم پرده‌پوشی شود، تا چه رسد که ساخت و پاخت با خارجی بکنیم. انصاف و شهامت داشتن و شهادت به حق دادن هم خوب چیزی است.

یقیناً خاطرتان است و صورت جلسه‌های نزد آقای دکتر شیبانی گواهی می‌دهد که سه جلسه شورای انقلاب در حوالی شهریور ۵۸ اختصاص به بحث و بررسی سیاست خارجی یافت و آقای دکتر یزدی در

گزارش پیشنهادی هیئت دولت روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران را منقسم و معطوف به سه دسته کشورهای (۱) ابرقدرت‌ها (۲) غیرمتعهدها و متفرقه و (۳) مسلمانها نمودند که مورد تأیید و تصویب قرار گرفت. فقط در مورد کشورهای مسلمان بعضی از آقایان و مخصوصاً شهید دکتر باهنر توصیه و تأکید به توجه و توسعه بیشتر داشتند ولی شورا کمترین اظهار نظر و ایرادی نکرد که روابط خارجی ما در کلیه موارد بر مبنای استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران با دوستی و احترام متقابل نسبت به حقوق طرفین باشد و در مورد ابرقدرتها سیاست موازنه منفی مرحوم دکتر مصدق با شعار «نه شرقی و نه غربی» انقلاب را تعقیب نماییم.

آیا با آمریکا ما جز به روش «کجدار و مریز» که کلام و جواب امام به سؤال ما در خرداد ۵۸ پس از آنکه سفیر پیشنهادی آنها را نپذیرفتیم بود، عمل کردیم؟ فکر نمی‌کنم گزارش مفصل چهارساعته را که آقای دکتر یزدی بعد از مسافرت کوبا و سازمان ملل متحد و بعد از مذاکرات با وزرای خارجه کشورهای مختلف از جمله آمریکا در شورای انقلاب داد و حاکی از معرفی روح انقلاب اسلامی و مطالبه حقوق سیاسی و مالی ما، تحویل گرفتن سلاحهای خریداری شده قبلی و تصفیه حساب سپرده‌های باقیمانده نزد آمریکا بود، فراموش کرده باشید. در آن جلسه چهارساعته شورای انقلاب و دولت که در نخست‌وزیری تشکیل شد آقایان جز تأیید و تشویق عکس‌العمل دیگری نداشتند. این مطلب را هم یقیناً از همان موقع به خاطر دارید که وزارت خارجه دولت موقت به محض اطلاع از قصد آمریکا به انتقال شاه به بهانه معالجه و پیش از آنکه در هیچ سخنرانی یا راه‌پیمایی و شعاری مطرح شده باشد اعتراض شفاهی و کتبی نموده رسماً خواهان برگرداندن شاه و فرح گردید.

با این اوصاف چه انصاف است که چنان داستانهای دروغ و نفاق‌آور درباره ما در حزب شما سر داده شود!

\*\*\*

البته یک سخنور حرفه‌ای با چم و خم‌های هنرپیشگی می‌تواند به سهولت از آسمان و ریسمان حوادث بافته وقایع مختلف و اشخاص مخالف را سر هم کره حقایق را وارونه جلوه داده بی‌دریغ و بی‌شرمانه وانمود کند که:

- ملاقاتها و مذاکرات رسمی علنی که با همه نمایندگان خارجی از جمله آمریکا انجام می‌گردیده و کار جاری هر دولت است زدوبندهای پشت پرده و گزارش‌گری به آمریکا بوده است.

- امنیت مملکت در آن مدت و حرکت‌های سازندگی همراه با عدم تعرض و توطئه‌های آمریکا نشانه سازشکاری و مزدوری است.

- عمل ما انهدام انقلاب و سرشکستگی اسلام در جهان بود برنامه پیش ساخته برای مهار کردن اسلام و کند کردن شمشیرهای اسلام داشته‌ایم (یعنی علی را هم که در پنج سال خلافت جز برای دفاع در برابر حملات داخلی شمشیر نزده و قشونی به مرزها نفرستاده است باید ضداسلام و ضدرسول الله دانست).  
- خلاصه آنکه دولت موقتی‌ها بدتر از بنی‌امیه و نهضت آزادیها لیبرال بودند، لیبرال به معنای بی‌خدا و خادم غربیها...

در نظر سخنران منتخب حزب، اسلام کسانی که در بحبوحه اختناق داخلی و اتحاد خارجی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، علیه زر و زور و تزویر قیام کرده «شیعه صفوی و شیعه علوی» نوشته محاکمه و

زندانشان به خاطر «چرا با استبداد مخالفیم» و به دلیل خلع ید از شرکت نفت انگلیس و اعتراض عمومی بر ضد قرارداد کنسرسیوم نفت بود. اسلام شاه عباسی و ناصرالدین شاهی و آمریکایی می‌شود!...

پناه می‌برم به خدا! سبحانک اللهم هذا بهتان عظیم!

پناه به خدا می‌برم چون نه شورای قضایی و بازرسی کل کشور ترتیب اثر به اعلام جرمهای ما می‌دهند، نه دادگاه انقلاب که قاضیش مدعی است دادرسی می‌کنند و نه حق و وفا در این جمهوری حاکمیت دارد. یقین دارم غیر از خدای حکیم مردم ایران و دنیا و تاریخ نیز قضاوت خواهند کرد.

اما به فرض که ما خائن بودیم آیا امام و شما هم خواب بودید؟ چطور گذاشتید ما چنین جنایات عظیم را انجام دهیم و چرا اصرار به نگهداشتن ما داشتید؟!

نمی‌گویم از ما بلکه از خودتان، از رهبری انقلاب و از انقلاب دفاع فرمایید.

به این ترتیب برای چه کسی در کشور جمهوری اسلامی و در حزب جمهوری اسلامی حیثیت و امنیت

باقی می‌ماند؟

در حزب جمهوری چرا به جای دولت موقت جریان کلاهیها، کشمیریها و فخار کرمانی‌ها که چگونه آمدند و رفتند و کارداران و سفرای مکتبی که چگونه انتخاب شدند و به پناه دشمنان رفتند، مطرح نمی‌گردد؟ آیا دولت موقت دیناری از بیت المال به اجانب داد یا قرارداد و بیانیه‌ای برخلاف مصالح مملکت و تصویب مقامات قانونی امضا کرد؟

\*\*\*

در نشریه‌ای به نام «ایران و اسلام» تجزیه و تحلیل منطقی مستندی کرده گفته بودم که (اکثریت مبارزان مسلمان و فعالان دوران انقلاب) و بنده به‌عنوان فریضه دینی و ملی وظیفه خود را «خدمت به ایران از طریق اسلام» می‌دانستیم اما سخنران «صدیق» نظریه‌ام را علیرغم متن موجود به صورت «اسلام در خدمت ایران» تحریف نموده سند دیگری علیه ما ساخته است. ما از پیشنهاد ایشان که حزب جمهوری یک میلیون نسخه از آن نشریه را چاپ و منتشر نماید استقبال می‌نماییم تا هم سوءنیت مشارالیه آشکار شود و هم اعضا حزب محترم و مردم مملکت که دید و دلشان فقط از یک کانال تغذیه می‌شود بر مبنای منطق و قرآن آن را بررسی و قضاوت صحیح بنمایند.

\*\*\*

همه این ادعا و تحریکات و اتهامات برای شاعر مسلکهای مجلس آرا کار ساده‌ای است. الشعرا یتبعهم الغاوان الم ترانهم فی کل واد یهیمون. یک فردی که تیسمار رئیس ستاد کودتای ۲۸ مرداد و استاندار نایب‌التولیه طاغوت را مالک اشتر شاه لقب می‌دهد و جواب مثبت به رفراندوم «انقلاب شاه و مردم» را فریضه دینی در مجله آستان قدس تلقی و تلقین می‌نماید و در روزگاری که ورق برمی‌گردد چاپلوسی و غلو تملقش رهبر انقلاب را به اعتراض و امیدارد، اقتضای طبیعتش این است که به دشنام کسانی بپردازد که زمانی متهم و مطرود مبارزین و مسلمانان بوده و به نشستن پای منبرشان در مسجد هدایت و خواستن مقدمه یا چاپ کتابهای افتخار و اتکا می‌نمود.

هیچ گفتاری در دنیا آسانتر و در عین حال کثیف‌تر از بدنام کردن و تهمت زدن نیست. به سهولت و سرعت می‌شود فضای مجلس یا کشوری را مسموم نموده برای نشو و نمای تخم‌های کینه و خصومت و برای اشاعه فحشا و فساد مساعد ساخت.

کمتر کاری هم مانند غیبت پیش خدا و خلق مورد بغض و نفرت است. وقتی حق حضور و امکان دفاع یا ارتباط با جامعه از فرد یا گروهی (چه نهضت و چه غیرنهضت) سلب باشد هرگونه حمله و ایراد در حکم غیبت محسوب می‌شود. غیبتی که قرآن تشبیه به جویدن و ارتزاق از گوشت برادر مرده می‌نماید. حال آیا حزب جمهوری با انتشار آن مقالات و اتکا به این قماش افراد خدمت به انقلاب و به اسلام و جمهوری می‌نماید و می‌خواهد با پایین آوردن و سیاه کردن پایه گذاران و پرسابقه‌ترین افراد مبارزه و انقلاب، موسسین خود و تازه واردان را بالا ببرد و روسفید کند؟

مگر حزب جمهوری اسلامی در «مواضع ما» اعلام نکرده است که «جامعه تک حزبی نیست و احزاب و سازمانها و گروههایی که به راستی مسلمانانند با هم رابطه برادرانه و مثبت و سازنده دارند، نه رقابتهای خصمانه که برادری و وحدت امت را بر هم می‌زند و رشک و کینه توزی را بجای آن می‌نشانند؟» آیا در عمل هم چنین است و این روشها آنهم در مرکز حزب مشمول «رسوبات اخلاقی نامطلوب که متأسفانه در جامعه ما وجود دارد... و باید همواره با آن در ستیز بود» نمی‌باشد؟

مگر شما در همان «مواضع ما» اعلام نکرده‌اید که «نشر دروغ و تهمت و افترا و شایعه نیز گناه و ممنوع است و در خور کیفر و باید طبق ضوابط قانونی از آن جلوگیری شود»؟

\*\*\*

اصلاً لیبرال گفتن به ما و بکار بردن اصطلاح و اتهامی که اولین بار حزب توده خط آنرا داده و شخص منافقی در روزنامه کیهان دامن زده بود چه معنی دارد؟ صرف نظر از اینکه لیبرالیسم و ناسیونالیسم (یا ملی گرایی که غیر از ملی بودن و ملیون است و هرکدام از آنها دهها مفهوم و مورد داشته و هیچ یک الزاما مترادف و منادی شرک به خدا و رهایی از قانون و اخلاق نیست) جز از طریق هوچیگری، قابل تطبیق با کسانی نمی‌تواند باشد که در مسجد و کلاس و کتاب و اعلامیه‌ها ایراد به همه «ایسم‌ها» داشته اثبات نارسایی آنها و نفی از خود کرده‌اند. کسانی که برای اولین بار در ایران - و شاید در کشورهای مسلمان - بطور علمی استخراج ایدئولوژی و نظام حکومتی از قرآن و اسلام کرده مرامهای شرق و غرب اروپا و آمریکا را در قالب واحد «دنیاپرستی» جمع زده‌اند. یا علیه هرگونه التقاط و تقلید و با «آفات توحید» مبارزه کرده مدافع محکم اصالت اسلام و «بازگشت به قرآن» بوده‌اند. مگر مرحوم طالقانی و دکتر سبحانی و مهندس کتیرایی و بنده با خود شما و شهید مطهری و دکتر شبیانی و فهیم و آن فرد منافق، بنا به پیشنهاد آقای احمدزاده یک هیئت مخفی در سالهای ۵۲ و ۵۴ برای تدوین جهان بینی اسلامی تشکیل نداده شش هفته ماهی کار جدی نکردیم که حمله ساواک در مشهد به خانه‌ای که فیش‌های آن کار نگاهداری شده بود برنامه را متفرق کرد؟ مجدداً در سال ۵۵ در یک افطار نهضتی و انجمن اسلامی مهندسین نبود که تازه از زندان خلاص شده بودید و من از جنابعالی با اصرار خواهش کردم با فرصتی که دارید و با یادداشت‌های موجود آن جهان بینی را تمام کنید؟

حال آیا باید در حزب اجازه داده شود که مداحان حرفه‌ای هر رطب و یابسی به هم بافته بطور ضمنی سوابق انقلاب و خدمات خودتان و دوستان را سیاه کنند؟

\*\*\*

نظیر چنین گفتارها و کردارها - و بدتر از آنها - در همه انقلابهای دنیا وجود داشته و گفته‌اند که انقلاب فرزندان خود را می‌خورد. در انقلاب کبیر فرانسه، در انقلاب اکتبر روسیه، در چین و در جاهای دیگر حتی

در الجزایر و غالباً دیده شده است که بیش از ضد انقلاب خود انقلابیها را رقابت بر سر قدرت و به بهانه اصالت مکتب چه طرد و کشتارها از قبلیها و خودیها کرده تعویض و تصفیه‌ها به عمل آورده‌اند، مثلاً در شوروی خصوصاً زمان استالین. اما آیا انقلاب ما هم که انقلاب اسلامی است باید چنین باشد؟ آیا در ایران شیعه بعد از چهارده قرن تفهیم و توسعه باید تجربه تلخ بنی‌امیه و بنی‌عباس با قربانی شدن ابوزرها و عمار یاسرها و حجر بن عدی‌ها و مخصوصاً اهل بیت عصمت و طهارت تکرار شود؟ در مساجد و مدارس و جمعه‌های جمهوری اسلامی ایران آیا باید سب و لعن‌های اموی اجرا گردد؟ البته در مکتب مارکس و انقلابهای دیالکتیکی تز و آنتی تز هستی هو مولود وابسته به نیستی والد است و طبیعی خواهد بود که چنین سرنوشت شامل هر «والد و ماولد» بشود.

در خاتمه لازم است عرض کنم که ما ناراحتی و اعتراض به اینکه روزنامه یا محیط حزب جمهوری اسلامی نظریات مخالف داشته انتقاد و ایراد به ما و به هر گروه و مکتب دیگر بگیرد نداریم. این را هم نمی‌گوییم که نهضت آزادی با حزب شما، با تندروی‌ها و با افکار رایج و کارهایی که می‌شود اختلاف نظر نداریم و تاییدکننده چشم و گوش بسته هر جریان هستیم. اعتراض ما به اظهارات ناحق و مغرضانه و اتهامات ظالمانه است و به انحصارگری و یکطرفه بودن آزادی زبان و قلم و عقیده. والا از اظهار نظر آزاد و از اختلاف و انتقاد استقبال نموده سرکوبی آزادی و محرومیت یک جامعه یا مکتب را از مواجهه با عقاید و آرای مختلف و مخالف باعث رکود و خاموشی و خرابی آنها می‌دانیم، به فرموده پیغمبرمان اختلاف امتی رحمه.

همه حرف و دعوی ما بر سر آزادی در همان حدود قانون اساسی است.

حال آیا حزب محترم جمهوری طرفدار اختناق ساین و انحصار برای خود و معتقد به عصمت و علم مطلق برای اعضا خویش ولو کلاهی‌ها، کشمیری‌ها و فخار کرمانی‌های دیگر که هنوز دستشان روشن شده است می‌باشد؟ وجود اختلاف و انتقاد را ولو در چارچوب قانون اساسی الحاد و خیانت تلقی می‌نماید؟ فکر نمی‌کنید که بدون آزادی عقیده و بیان و اجتماع، مصونیت کشور و انقلاب از اشتباه و انحراف و فساد و ظلم و دیکتاتوری محال است؟

با نبودن آزادی و برابری گروههای قانونی عدالت اجتماعی، امنیت قضایی و مهمتر از همه فریضه حیاتی امر به معروف و نهی از منکر تعطیل خواهد شد و فرمایش رسول اکرم تحقق نخواهد یافت که لن تقدس امه لا یؤخذ فیها حق الضعیف من القوی غیرمتعنع؟

همچنین است در دنیای افکار و علوم و اقتصاد که اگر آزادی فکر و تحقیق و تالیف و اجازه تعبیر و ابتکار وجود نداشته باشد ابواب اصلاح و اکتشاف و اختراع بسته می‌شود و جامعه به خودجوشی و خودکفایی و استقلال نخواهد رسید.

از نظر سیاسی و حکومتی نیز به خوبی می‌دانید که اصل مشورت و سنتی که هم پیغمبر بزرگوارمان در اداره امت حتی با ناجورترین افراد رعایت می‌فرمود و هم توصیه‌ای است که به خود امت در امور عمومی و اجرایی فیما بین شده است تا آنجا در حکومت علی پیش رفته است که اظهار نظر و دلالت و احیاناً انتقاد به خودش را وظیفه و غنیمت می‌داند و به مالک اشتر می‌فرماید در اجرای دستورهای من پیش خدا مسئول بوده نباید المأمور معذور بگویی بلکه بسنجی و اگر خلاف حکم خدا دیدی عمل نکنی...

به این ترتیب چگونه در حزب جمهوری و ارگان‌های رسمی و غیررسمی آن اجازه داده می‌شود درباره

غیرخودشان و به جرم اختلاف سلیقه‌ای و نظری و روشی هرگونه نسبت ناروا و تهمت به خیانت و جنایت و کفر داده شود و نظریات غیرموافق در حکم الحاد تلقی گردد؟

با تشکر از عنایتی که فرموده‌اید

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

مهدی بازرگان

دبیرکل نهضت آزادی ایران

۲۱ تیرماه ۱۳۶۱

## نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی

### بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی امام جمعه موقت تهران

با عرض سلام و دعا برای توفیق جنابعالی در راه حق لازم می‌دانیم اندکی از وقت شریفتان را برای شنیدن کلمه حقی گرفته، مقداری از مشکلات و مصائبی را که روزانه در میان مردم دیده و می‌شنویم با شما در میان بگذاریم تا شاید با کوشش همگان روزنه امیدی برای حل مشکلات گشوده شود و ثوابی نصیب شما و ما گردد.

اگر سخن ما را بی‌پرده می‌یابید هرگز گمان نبرید این صراحت از بی‌خبری ما از موقعیت، مقام و قدرت شما است. نقش شما را در اداره کشور به خوبی می‌بینیم و از اهمیت آن آگاهیم. ولی معتقدیم که اگر علی(ع) امت اسلامی را به گفتن حق و مشورت به عدل به زمامداری چون خودش دعوت می‌کرد و دلیل این دعوت را بالاتر نبودن خود از ارتکاب خطا (مگر از طریق عصمت) می‌شمرد<sup>۱</sup> دستگاه حاکم نیز که مدعی برپا ساختن حکومت عدل علی(ع) است، از شنیدن کلمه حق بی‌نیاز نمی‌تواند باشد.

شاید محتاج به تذکر نباشد که گفتن این کلمه از طرف ما من‌باب وظیفه شرعی و اجتماعی روی دلسوزی برای ایران و اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی بوده قصد تضعیف فرد یا گروه و حمله به شخص یا اشخاصی را نداریم. معتقد نیز نیستیم که انتقاد و امر به معروف، یا بیان نارساییها در یک کشور مستقل مستقر و در نظام جمهوری اسلامی باعث تضعیف و تزلزل می‌گردد، بلکه یگانه راه اصلاح و تقویت و بقا است.

شما خود در خطبه دوم نماز جمعه ششم شهریور ماه ضمن تحلیل واقعه شهادت برادران رجایی و باهنر به نقش مردم در سرنوشت حکومت‌ها اشاره کرده به حق بیان داشتید که «همه قبول دارند اگر مردم با آدم نباشند در یک محیط آزاد نمی‌شود حکومت کرد و به زور باید حکومت کرد» ولی در قسمت دیگر آن سخنانی بر زبان آورده بهانه به دست بهانه‌گیران جهت تاخت و تاز به نهضت آزادی ایران دادید. مثلاً درباره برخی از سران نهضت گفتید که به دلیل اجتماع مردم در سخنرانیهایشان می‌گویند اگر آزادی باشد استقبال مردم از ما ثابت می‌شود ولی «اینها با انسان‌های ناراضی رابطه دارند، خانمشان ناراضی است خاله‌شان ناراضی است، مثلاً قوم و خویششان ناراضی‌اند و خب اینها با اینها زندگی می‌کنند و فکر می‌کنند که مجموعه مردم اینجا هستند و آرای مردم را از اینجا می‌خواهند در بیاورند و دقیقاً اینطور آمارگیری می‌کنند».

1 - فلا تکفوا عن مقاله بحق او مشوره بعدل فانی لست فی نفسی بفوق ان اخطی و لا امن ذلک من فعلی (نهج‌البلاغه)

صرف نظر از ساده‌نگری قضایا و تحقیر افکار و اشخاص، حمله به نهضت آزادی ایران چیز تازه‌ای نیست، لیس هذه اول قاروره کسرت فی الاسلام. ما نیز قصد نداریم به دفاع از خود و ادعا یا اثبات محبوبیت و مقبولیت بپردازیم بلکه نکته‌ای را جناب‌عالی در خطبه آن روز مطرح فرمودید که از اهم مسائل یک جامعه اسلامی آزاد و محک حکومت‌های مردمی است. یعنی اقبال مردم به یک شخص، به یک گروه یا اندیشه. ما هم روی همین موضوع می‌خواهیم صحبت بکنیم و سپس آنچه ارزش و ضرورت دارد، بحث را روی علل و عوامل اقبال مردم و رضایت یا نارضایتی و انتظارات آنها ببریم.

هر دولت و هر صاحب مقام متعهد و متصدی مسلمان که احساس مسئولیت در برابر خدا و خلق بنماید خود را محتاج به استمرار آزمایش و سنجش افکار عمومی برای اطلاع از درجه اقبال و رضایت مردم نسبت به خود و درباره مخالفان و معترضان می‌بیند.

در کشورهایی که آزادی عقیده و بیان و قلم و اجتماع در چارچوب قانون برقرار بوده و وسائل تاثیر و تحقیق در انحصارگرداندگان نباشد آزمایش و سنجش به سهولت و خود به خود انجام می‌گیرد. علاوه بر آن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر یا انتقاد و اظهارنظر و همچنین همکاری‌های فکری و اداری یعنی شکوفایی ملت تأمین می‌گردد. جامعه از جهل و ظلم و فریب پاک می‌شود اما در صورت عکس و در محیطی که آزادی‌های قانونی و عدالت تبلیغاتی وجود نداشته درهای احزاب و گروه‌های قانونی ولی غیرموافق را ببندند و تصرف یا حمله نمایند و افراد و طرفداران آنها را مورد اهانت، آزار و زندان قرار دهند، بطوری که فقط وابستگان و مردم مطیع حق کار و حرف و حیات داشته باشند، در چنین کشور مقاصد شرعی و قانونی و طبیعی فوق فراهم نخواهد گشت ضمن آنکه رأی‌گیری‌های رسمی، راه‌پیمایی‌ها، تظاهرات و استنباط‌های آماری و هرگونه ادعای پشتیبانی و مشروعیت ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهد. زیرا که احتمال و اتهام یک طرفگی، اغوا، اخذ به حیا، ارباب، تحمیل، ریا، تظاهر و بطلان غیرقابل دفاع و انکار می‌شود.

در چنین شرایط تشخیص درجه تأیید و توجه مردم نسبت به مجریان امور و گفته‌های معترضان و منتقدان و همچنین دریافت میزان رضایت و خواسته‌های آنان ناچار از راه‌های غیرمستقیم و تلویحی و معکوس انجام می‌گیرد.

مثلاً حمله‌های مکرر و نسبت‌های خلاف و خیانت که هربار کذب آنها روشن می‌شود و همچنین تلاش پیگیر بی‌علت برای «شکستن بت شخصیت» سران نهضت آیا خود دلیل بر حقانیت و مقبولیت آنان و هراس متولیان از عدم تأیید خودشان نمی‌باشد؟ منفور و مطرود ساختن گروهی که به قول مدعیان عده و عده‌ای ندارند و هیچگاه در یوزگی قدرت نکرده داوطلبانه کنار رفته‌اند چه هدفی می‌تواند داشته باشد؟ گروهی که داعیه و دشمنی با کسی ندارند و مخالف وفادار و مدافع انقلاب و اسلام و ایران بوده از قدیمیترین و اصلیت‌ترین مبارزین و بنیانگزاران انقلاب و سالکان راه خدا هستند و در هر فرصت و رهگذر بیش از حدود امکان و انتظار مورد مراجعه و اجابت و علاقه مردم قرار گرفته و می‌گیرند. اگر دستگاهی اطمینان به حقانیت و مقبولیت خود داشته باشد آیا اینچنین جلوی قدم و قلم حتی جواب‌های مشروع جمعیت قانونی و انتشار مجله آنان را می‌گیرد؟ آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است؟ و آن کس که حق را در طرف خود دارد هیچگاه بینه و برهان را کنار گذاشته متوسل به فحش و زور و آزار می‌شود؟ مگر پنج

سطر جوابیه، پنج تا آدم بی‌اسلحه یا پنج جمله انتقاد و اعتراض، در صف انبوه سی و شش میلیونی امت و میلیون میلیون بودجه تبلیغات یکطرفه چه وزن و زیان می‌تواند داشته باشد؟ شما خودتان هستید که منظمأ ما را مطرح و موضوع روز کرده شهرت و مظلومیت و محبوبیت... و مسئولیت بر ایمان می‌سازید.

مردم با مراجعه و نامه و تلفن و اشاره و مکالمه - تا آنجا که در این جو ترس و هیجان امکان‌پذیر باشد - به سراغ ما می‌آیند. باور کنید و خودتان خوب می‌دانید که خانم و خاله و خانم باجی نیستند. فئودالها، سرمایه‌داران، ضدانقلابیها، نامسلمانها، شاهپها، ساواکیها، خلقیها و بنی‌صدریها هم نیستند؛ و اگر باشند و ما نشناسیم اقلیت خیلی ضعیف‌اند. از کلیه طبقات و قشرها و رنگها و چه بسیار از پایین شهریها و دست به دهانهای به اصطلاح مستضعف هستند. سراغ ما می‌آیند که دردلها و سوزها و نارضائیهایشان را بگویند. چون از پشت جدارهای تاریک و ضخیم ماشینهای بادپیمای آژیرکش با اسکورت و ژ ۳ صدایشان به گوش آقایان نمی‌رسد و از ترس پاکسازی یا برچسب ملی‌گرایی، لیبرالی، ضدانقلابی و طرفداری از منافق محارب صدایشان در نمی‌آید و امضا پای نوشته‌ای نمی‌گذارند.

اما درد دلها و نارضائیهای مردم که به دنبال گوش شنوا و زبان گویا می‌گردند، چیست؟ چه بهتر که مطلب را از قول خودشان و زبان حالشان بگوییم. می‌دانید که عامه مردم بیش از آنچه به استدلال و احتجاج یا تشخیص سیاست و حقانیت بپردازند به نتیجه و به محصول نگاه می‌کنند. شده‌ها را با وعده‌ها می‌سنجند و داده‌ها را با گرفته‌ها.

اول سؤال و کلام مردم و همانها که در انقلاب علاقه و وحدت نشان دادند، این است که گردانندگان و سیاستمداران پس از سه سال و نزدیک چهار سال غیر از خون و خرابی، غیر از لبریز شدن زندانها و قبرستانها در همه شهرها، غیر از صفهای طولانی و کمبود و گرانی، غیر از بیکاری و بی‌پولی، بی‌خانمانی و شعارهای تکراری و آینده تاریک چه ارمغان برای ما آورده‌اند؟!<sup>۱</sup>

ما با آنکه همواره به تشریح و تجلیل ارزشهای والای بی‌همتای ایمان، ایثار و شهادت و نقش مهم رهبری و تحولاتی که در اثر انقلاب در این سرزمین کهنسال پدید آمده است و همچنین در توضیح اثرات شوم جنگ در ایجاد تنگناها کوشیده‌ایم، لازم می‌دانیم، به‌عنوان گروهی شاهد و واسط، واقعیت‌ها و شکایات مردم را نیز منعکس سازیم.

اما آنها که اهل اطلاع و بحث هستند، قانون اساسی را پیش می‌کشند و استناد به مسلمات حقوقی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی کرده، می‌پرسند قانون اساسی که مجلس خبرگان آن را تصویب کرده، بیش از ۹۹ درصد آرا اخذ شده ملت را آورده و امام آن را معادل اسلام، سایه دست فقهای عظام و واجب‌الرعايه دانسته‌اند و همچنین اصول تفکیک‌ناپذیر آن، چرا معطل و منتفی و منحصر به طبقه خاص شده است؟ از جمله حقوق ملت، آزادی نشریات، مطبوعات، احزاب، جمعیت‌ها، تشکیل اجتماعات و

---

1 - اکثر معترضین به نهضت این پاراگراف را بدون توجه و اشاره به پاراگرافهای قبل و بعد آن نقل کرده و مستمسک حملات به ما قرار داده‌اند در حالی که مطالب پاراگرافهای قبل و بعد خود پاسخگوی این حملات هست. این شیوه ما را به یاد مغرضین می‌آورد که «یحرّفون الکلام من مواضعه» و می‌گفتند قرآن دستور داده «لاتقربوا الصلوه» و جمله بعد آن «و انتم سکری» را نادیده می‌گرفتند!!

راهپیماییها، ممنوعیت بازرسی مراسلات و مکالمات، تجسس و تبعیدهای غیرقانونی، داشتن حق انتخاب وکیل در دادگاهها و محاکمات علنی، استفاده از اصل برائت، ممنوعیت شکنجه و تعزیر برای گرفتن اقرار و اطلاع (آن طور که در فصل سوم قانون اساسی آمده است). اعتراض و ناله دیگرشان از تفتیش عقاید و اختصاص دادن تحصیل و شغل و جیره و حتی ورزش به دست چین شده‌های خاص است.

به لحاظ دیپلماسی منزوی شدن ایران و برانگیختن و همگامی دولتها و همسایه‌ها علیه خودمان را نتیجه سوءسیاست و عدم درایت دست‌اندرکاران دانسته به قرارداد «به تصویب مجلس نرسیده» الجزایر و مقدمات و تبعات آن که منتهی به از دست رفتن ذخایر ارزی و روی کار آمدن ریگان، سلطه آمریکا و صهیونیسم در اروپا و در منطقه گردید، می‌دانند و قرارداد سخاوتمندانه دو میلیارد دلاری با دولت نظامی - آمریکایی ترکیه و با کره شمالی را مطرح می‌سازند.

از نظر اقتصادی علت تنگناها و محرومیت‌ها را می‌پرسند و از تقلیل فاحش تولید، ترقی سرسام‌آور واردات و دور افتادن از خودکفایی، تورم قیمت‌ها و کسری دائم التزاید بودجه صحبت می‌کنند.

در زمینه فرهنگی و تربیت و تخصص بسته ماندن دانشگاهها و فراری دادن مغزها را نمونه می‌آورند. به لحاظ اجتماعی و ملی بزرگترین ایراد و نگرانشان جو وحشت و ترور یا انتقامهای دو طرفه و از هم گسیختگی ملی، بعد از یکپارچگی و صمیمیت و اعتقاد و امید دوران پیروزی انقلاب است و تقسیم جامعه به سه طبقه ممتاز، متحیر و مطرود، توام با ناامیدی، نادوستی و ناامنی حتی در داخل خانواده‌ها.

راجع به جنگ تحمیلی که مقصد و مسیری برای آن جز ایستادگی و ایثار و دفاع پیروزمندانه قائل نیستیم، بحثی نمی‌نماییم، چون ارتباط با مسائل امنیتی و جنگی و حیاتی کشورمان دارد.

یک دسته دیگر هم از مردم وجود دارد که ما و شما و خیلی‌ها جزو آن هستیم. اعم از بازاری، روشنفکر، روستایی، روحانی، اداری و غیره. خواه ملی و خواه مذهبی. یعنی معتقدین و علاقمندان به اسلام، چه قلبیها و قدیمیها و چه واردشدگان و اخلاص یافتگان دوران مبارزه و انقلاب. تأسف عمیق این دسته از آن است که در خارج و داخل کشور و در ذهن و ضمیر بسیاری از مسلمانان، برخلاف جریان درخشان آستانه انقلاب، یک دلمردگی و وازدگی نسبت به دین و ایمان پدیدار گشته می‌بینند که از اسلام عزیز محبوب که منادی و مجری انسانیت و عدالت و علم و طهارت است چهره خصمانه هولناک جلوه‌گر ساخته‌اند بجای حیات و نعمت و رافت و روشنایی، تاجر و خشونت و خصومت آشکار است. می‌پرسند که حسن خلق محمدی و عدل علی کجا و اعدامهای آب خوردنی و انحصارگری کجا!

البته مدافعی هستند که افتخار می‌کنند حجاب همه جایی شده، نماز و روزه و جمعه عمومیت یافته و مظاهر کفر و گناه از ایران انقلابی رخت بر بسته است. درست، اما آیا عبادت و اطاعت ظاهری و اجباری یک پول پیش خدا ارزش دارد؟ و آن چیزی که پیش خدا ارزش نداشت آیا در کار دنیا خاصیت و بقا می‌تواند داشته باشد؟ خدایی که گفته است لا اکره فی الدین و حامی آدم و دوستدار بندگان بوده خواسته است آنها هم داوطلبانه و عارفانه و عاشقانه به درگاهش رو بیاورند. آیا زورش و عقلش نمی‌رسید که از پیغمبران بخواهد دینش را تحمیل کنند؟ کارها و کاسه‌های گرمتر از آتش است که دلها را پژمرده و دماغها را خفته می‌سازد، بندگان را از خدا برمی‌گرداند! و مردم را نسبت به اسلام و انقلاب و روحانیت بدبین می‌نماید.

صرف نظر از پیمان و دینی که به هموطنان و ایران داریم و پیامشان را رساندیم اعتقاد و عشق خودمان به اسلام و عبودیتمان به خدای لایزال نیز ما را متاثر و متعهد ساخته است که حق را بگوییم و از حق اسلام دفاع کنیم که فرمود قولواالحق ولو علی انفسکم.

بگذارید نامه خود را با نیایشی از علی (ع) پایان دهیم: «خدایا تو خوب می‌دانی که آنچه از ما سر زده است رقابت برای بدست گرفتن قدرت سیاسی یا جستجوی چیزی از تمتعات و درآمدهای زائد نبوده است، بلکه برای این بود که اصول روشن دینت را بازگردانیم و اصلاح را در کشورت پدید آوریم تا در نتیجه آن بندگان ستمدیده‌ات ایمنی یابند و قوانین تعطیل شده‌ات اجرا گردند.»

و ما ارید (نرید) الاالاصلاح مااستطعت (مااستطعنا).

نهضت آزادی ایران

۲۵ شهریور ماه ۱۳۶۱

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

### نامه سرکشاده نهضت آزادی ایران (پیرامون پیام ۸ ماده‌ای امام)

#### به رئیس دیوان عالی کشور

بسمه تعالی

حضرت آیت الله موسوی اردبیلی رئیس محترم دیوان عالی کشور

با عرض سلام و آرزوی توفیق برای جنابعالی در راه اجرای عدالت و حکم بما انزل الله، صدور پیام اخیر رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ما را بر آن داشت که با تشکر از مقام رهبری در اجرای کلام الهی «وذكر فان الذكرى تنفع المؤمنين» و در راه انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر قدمی برداریم.

تذکراتی که در پیام امام در مورد حفظ حقوق و احتراز از هتک حرمت مردم آمده است منبعث از متن شریعت و هم آهنگ با فرامین الهی در کتاب و سنت و قانون اساسی مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق مردم بوده و پیش از این تاریخ نیز سخنرانیها و پیام‌های گوناگون در این زمینه به گوش مسئولان امور رسیده است.

همه ما به خاطر داریم که سال ۱۳۶۰ از طرف رهبر انقلاب سال قانون اعلام شد و همه می‌دانیم که قانون‌شکنی‌ها در این سال به اندازه‌ای بود که حتی خود مسئولان نیز نتوانستند جز اعتراف به تخطی‌های چشمگیر چیزی در این باره بگویند. همچنین دستور اکید امام در مورد رسیدگی به وضع بنیاد مستضعفان و حیف و میل‌های احتمالی و ادعایی هنوز در خاطرها زنده است و با آنکه بیش از دو سال از تاریخ صدور این دستور می‌گذرد تا کنون گزارشی قانع کننده و یا پاسخ کوبنده به سئوالات متعدد مردم در این باره منتشر نشده است. کمتر از یکسال قبل بود که امام مؤکداً دستور دادند ظرف دو ماه تکلیف همه زندانیان روشن شود و جنابعالی خود در جریان بوده‌اید که این دستور به مورد اجرا گذاشته نشد و بسیاری از زندانیان و خانواده‌هایشان که بدین توصیه و اجرای آن دل بسته بودند مدت‌ها بعد از انقضای مهلت مقرر در انتظار روشن گشتن وضع خود نشستند و یا چشم به باز شدن درهای زندان دوختند. مسئولین امور ممنوعیت ایذاء، افتراء، تجسس و هتک حرمت مؤمن را در فقه اسلامی آموخته‌اند و در قانون اساسی که اجرای آن را شرعاً عهده‌دار شده‌اند خوانده‌اند که:

«تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد» (اصل بیست و سوم)

«بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون» (اصل بیست و پنجم)

«هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت،

موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» (اصل سی و دوم)

«اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالحه ثابت گردد.» (اصل سی و هفتم)

«هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.» (اصل سی و نهم)

حال چه شده است که پس از بیست و پنج ماه از تصویب قانون اساسی رهبر عالیقدر انقلاب ناچارند

فریاد زنند:

«هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عرف جرم است و موجب تعزیر شرعی است. هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی، بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید و یا دنبال اسرار که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی است و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد.»

بی‌شک مسئولین امور نمی‌توانند عدم اطلاع از حکم شرعی و قانون اساسی را علت عدم اقدام خود در گذشته قلمداد کنند. ما از مسئولین قوه قضاییه می‌پرسیم اگر امام چنین پیامی نمی‌فرستادند آیا شما خود از وقوع جرم، حکم و مجازات مجرم آگاه نبودید و خود را موظف به اقدامی نمی‌دیدید؟  
آیا اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی طراحتاً اعلام ننموده است که:

«قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظائف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسیه که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام.

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

در هر حال ما امیدواریم صدور این پیام انگیزه‌ای برای اجرای حکم خدا و قانون اساسی باشد و فصلی جدید در تاریخ جمهوری نوپای ما بگشاید مشروط به آنکه در مسیر اطلاعیه‌ها، قطعنامه‌ها، خطبه‌ها و سمینارها و بهره برداری‌های سیاسی از تاب و توان نیفتد.

نهضت آزادی ایران ضمن پشتیبانی از پیام امام در اجرای قانون اساسی و عدالت از قوه قضاییه انتظار

دارد که با اقدام سریع در اجرای قانون و مجازات متخلفین به مردم نشان دهد که اجازه نخواهد داد این پیام به سرنوشت برخی پیام‌های گذشته دچار شود و با اقدام خود امید به اجرای قانون و عدالت و تأمین امنیت در جامعه را در دل‌ها نگهدارد.

**ربنا لاتواخذنا ان نسينا او اخطانا**

نهضت آزادی ایران

۲۹ آذرماه ۱۳۶۱